

باسمه تعالی

تلخیصی از فصل چهارم کتاب دگرگونی ساخت دولت در ایران پیش مدرن تألیف دکتر احمد درستی

با موضوع «ساخت دولت در عصر افشاریه»

گردآوری: میلاد موحیدیان، درس مطالعه اسناد و متون تاریخی، ۹۷/۰۹/۱۱

مقدمه

با فروپاشی صفویه، شاهد یک دوره آشوب و ناامنی در سراسر ایران هستیم. شاه سلطان حسین، پادشاه ناتوان صفوی به اسارت افغانان درآمد و فرزند نوجوانش، تهماسب دوم، در شهرهای مختلف، آواره و سرگردان میشد. سرداران قزلباش هریک در گو شه ای خزیده و به حفظ جان و موقعیت خود می اندیشیدند و برخی نیز داعیه حکمرانی مستقل داشتند. در این فضای آشفته سیاسی، مرزهای ایران نیز مورد تهاجم قرار گرفت؛ به نحوی که روس و عثمانی طی معاهده ای برای تقسیم متصرفات خود در ایران به توافق رسیدند. روسها شهرهای ساحلی خزر و کل منطقه گیلان را تصرف کردند و عثمانی ها، اردبیل، مغان، تمام شهرهای آذربایجان، همدان و کرمانشاهان را اشغال کردند.

۱. اجمالی از تاریخ زندگانی نادرقلی افشار؛ از پیوستن به تهماسب دوم تا تشکیل حکومت افشاریه

در این شرایط تهماسب دوم به دنبال هم پیمانانی بود که او را در بازگرداندن تاج و تخت صفویان یاری دهد. از این رو با هفت هزار سرباز متشکل از قاجارها و دیگر قبایل ترکمن از طریق دامغان عازم قوچان شد و شخصی را نزد نادر فرستاد تا نادر را به یاری خود دعوت کند. نادر این دعوت را پذیرفت و با پنج هزار سرباز کارآزموده به اردوی تهماسب دوم ملحق شد. نفوذ نادر روز به روز در میان سپاه تهماسب دوم بیشتر میشد و این نفوذ ریشه در توان نظامی و قدرت رهبری نادر بود نه اصل و نسب قبیلگی و خانوادگی وی، چراکه اساساً خانواده نادر جزو سران قبیله وی نبوده اند بلکه آنها به قدری فقیر و گمنام بودند که مورخ رسمی او، میرزا مهدی خان استرآبادی، در نهایت اختصار در بحث از تبار و نسب نادر به این جمله بسنده می کند: «گوهر شاهوار را نازش به آب و رنگ ذاتی خود است نه به صلب معدن.»

نادر در اولین قدم، مشهد را فتح کرد و همین باعث قدرت یافتن بیشتر وی شد به حدی که شاه تهماسب دوم از وجود نادر در هراس شد. اطرافیان نادر نیز وجود وی را برای حضور خودشان مضر می دانستند لذا در اقصی نقاط کشور دست به ایجاد شورش می زدند تا سپاه نادر را به خود مشغول کنند. اما در هر توطئه ای، دست برتر با نادر بود و وی با پیروزی بر هریک از این قبایل، ارتش آنها را به خود ملحق می کرد و لذا روز به روز بر قدرتش افزوده میشد. مقصد دوم نادر اصفهان بود که افغان ها در آنجا حکمرانی می کردند. با شکست افغانها، بار دیگر تهماسب دوم پیروزمندانه وارد پایتخت شد و نادر نیز برای بازپس گیری شهرهای مرزی از عثمانی راهی خوزستان شد و در آنجا نیز توانست پیروزی های چشمگیری کسب کند.

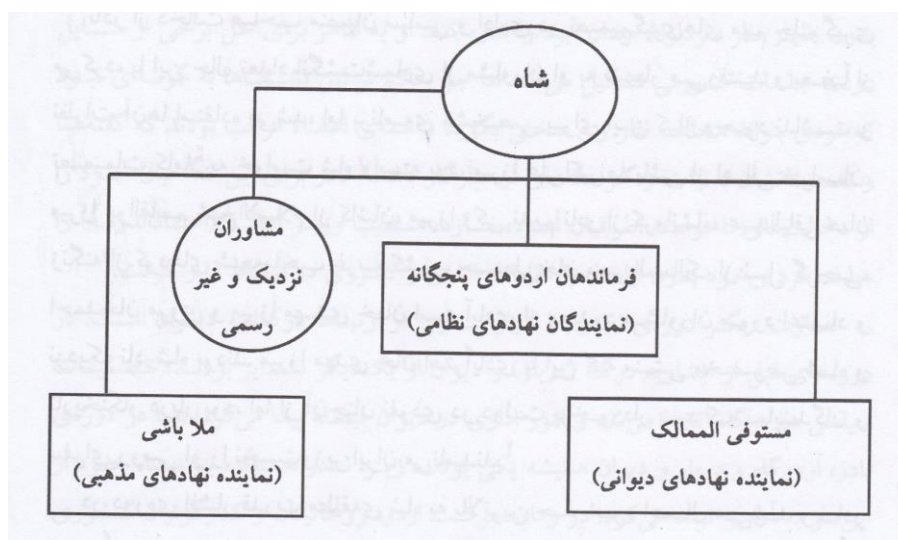
پیروزی های پی در پی نادر از یک سو و بی کفایتی و بی لیاقتی پادشاه صفوی، موجب شد که نادر در اصفهان مجلس جشنی به پا کرده و با کسب رضایت بزرگان قوم، تهماسب دوم را از سلطنت عزل و فرزند ۸ ماهه اش، عباس سوم را به پادشاهی انتخاب کند و خود نیز نیابت سلطنت را برعهده گیرد. نادر سپس راهی مناطق مختلفی از کشور شد و شورش ها را در نطفه خفه کرد و عثمانی را به طور کامل عقب راند و افغان ها را از ایران بیرون کرد. با کسب این پیروزی ها، نادر از چنان

مقبولیتی برخوردار بود که تصمیم گرفت گام نهایی را به سوی سلطنت بردارد و در همین راستا همه بزرگان کشور را طی نامه ای به دشت مغان دعوت کرد و در مراسم نوروز ۱۱۴۸ هجری قمری و ۱۷۳۵ میلادی، شورای بزرگان در دشت مغان، به نادر رأی داده و بدین وسیله سلسله صفویان منقرض و خاندان جدیدی روی کار آمدند که علی رغم درخشندگی در کشورگشایی، در کشورداری فروغ چندانی نداشتند.

۲. اجمالی از تاریخ زندگانی نادرشاه افشار؛ از تشکیل حکومت افشاریه تا سرنگونی آن

نگاهی اجمالی به روند قدرت گیری نادرشاه نشان از آن دارد که عنصر نظامی گری مهم ترین عامل پیوند میان نخبگان حکومت افشاری است. وی اساسا تاج و تختش را مدیون نظامی ها و سپاهیان بود چراکه اساس مقبولیت و مشروعیت خود را از پیروزی هایی می گرفت که توسط همین سپاهیان و جنگجویان رقم خورده بود و لذاست که تضعیف حکومت نادرشاه را نیز می توان در نتیجه رفتار خشن و بی رحمانه وی نسبت به فرماندهان نظامی سپاهش تفسیر کرد. برای روشن شدن ماهیت پیوند نخبگان در این دوره، بررسی شاخص های موجود در پیوندهای نظامی لازم است که در اینجا به برخی از مهمترین آنها اشاره می شود؛ اطاعت از روی اجبار، انگیزه های سودجویانه و بازبودن گروه.

نادرشاه پس از سرکوب شورش ها و عقب راندن دشمنان خارجی به پادشاهی رسید ولی به جای اینکه به آبادانی کشور پردازد، به ادامه کشورگشایی ها و جنگ و جدال پرداخت و لذاست که می توان گفت نادر دولت را برای جنگ میخواست و در همین راستا، ساختار حکومتی وی نیز شدیداً تحت تاثیر همین طرز تفکر قرار گرفته است. در دولت نادری، توازن میان سه لایه نظامی، دیوانی و مذهبی به نفع نظامی ها به هم خورد و زمام امور مملکتی در دست نظامی ها قرار گرفت بنابراین جایگاه دیوانسالاران و روحانیت به شدت تضعیف شد و در عوض نهادهای نظامی قدر گرفتند. تصویر زیر ساخت نهادی دولت در عصر نادرشاه را نشان می دهد که به وضوح پررنگ بودن لایه نظامی در مقابل دو لایه دیگر مشخص است.



از جهت ساخت قلمرو نیز مناطق مختلف کشور بر اساس درجه اهمیت به والی نشین و حاکم نشین تقسیم شدند. نادر در ابتدای حکومت خود برای اداره مناطق مختلف کشور، تنها به نزدیکان خود اکتفاء نداشت و به ویژه در ابتدای کار خود می کوشید که در هر منطقه و ایالتی، یکی از برگزیدگان مطیع و خوشنام همان مکان را به حکومت برگمارد لکن این روال در اواخر عمر او و بالاگرفتن حس بی اعتمادی اش تغییر کرد و از آن پس تلاش می کرد اکثر مناصب مهم را تنها در اختیار نزدیکان خود قرار دهد.

از آنجا که نادر اغلب در پی کشورگشایی و جنگ به سر می برد و هر آینه امکان داشت با تهاجمی از یکی از کشورهای همسایه مواجه شود، قوای نظامی ایران را به پنج منطقه اردویی تقسیم کرد؛ خراسان، قفقاز، کرمانشاهان، فارس و قندهار، مراکز پنج گانه قشون نظامی نادر شاه افشار را تشکیل می دهند. همین تقسیم مناطق در زمینه مالیات گیری و امور دیوانی نیز شکل گرفت به نحوی که نادر ۴ نفر را به مقام مستوفی آذربایجان، عراق، خراسان و فارس منصوب کرد.

ویژگی های اصلی مرتبط با هر یک از ابعاد حکومت افشاری در جدول زیر می آید که بیانگر تصویری اجمالی از ویژگی های ساختاری دولت است.

ویژگی های اصلی	ابعاد ساختاری دولت افشار	نوع ساخت	
		ایلی	ایلی
گروه های حاضر: افشارها، قاجارهای مرو، کردهای قوچان، افغانها، ازبکها، ترکمنها ویژگی ها: متکثر، ناهمگن، دوگانگی میان گروه های قدیمی و جدید	بلوک قدرت	نقش برجسته جنگجویان	اطاعت از روی اجبار انگیزه های سودجویانه
تفوق نهادهای نظامی، نهادی شدن در سطح پایین، تضعیف لایه های دیوانی و مذهبی، اهمیت یافتن مستوفیان، حذف نهادهای واسط مانند وزارت عظاما، یکی بودن دیوان و درگاه	ساخت نهادی	نبود نهادهای مشورتی و واسط مطلقه	ورود به گروه آزاد بود
گسترده گی قلمرو، تغییر مرکز ثقل سرزمینی به شرق، ایجاد مناطق پنجگانه اردویی و مالی	ساخت قلمرو		

جمع بندی

در جمع بندی می توان گفت اگرچه نادرشاه افشار در کشورگشایی نبوغ فوق العاده ای داشت لکن در کشورداری استعدادی نداشت چراکه وی به امور غیرنظامی همچون معیشت و رفاه مردم بی توجه بود و به مردان علم و دین توجهی نداشت و حتی برای تغییر مذهب عمومی اقداماتی انجام داد. همچنین اخذ مالیات های سنگین از مردم که جهت مخارج دولت نظامی نادر شاه استفاده می شد، نارضایتی را به شدت گسترش داد و سرانجام مردی که زمان شنیدن نامش لرزه به جان شاهان و قدرتمندان می انداخت، در داخل کشور و به دست یاران نزدیکش به قتل رسید و حکومت افشاریان به کار خود پایان داد.